

عدالت و احسان در قرآن مجید

مقاله ارائه شده به همایش بین المللی عدالت و مهرورزی در قرآن کریم^۱

آیة الله محمد علی تسخیری

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

والایشان قرار داشته است: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط وانزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس»^۲.

در اینجا لازم است که به تعبیر مختلفی درباره این اصل حیاتی و مهم که در قرآن مجید به کار رفته، اشاره کرد. از جمله: تعبیر به «عدل» و مشتقات آن ۲۸ بار، تعبیر به «قسط» و مشتقات آن ۲۵ بار، تعبیر به «وزن» و

مشتقات آن ۲۳ بار، تعبیر به «حق» که البته معنایی عام است و شامل عدالت هم می شود ۲۸۴ بار و در بسیاری از آیات هم با نفی ظلم و مذمت آن، بر اصل عدالت صحه گذاشته شده است.

معنای لغوی عدالت

فیومی در «مصباح المنیر» گفته است: «العدل القصد فی الامور و هو خلاف الجور... والعدالة صفة توجب مراعاتها الاحتراف عما یخلف بالمروءة؛ عدالت یعنی میانه روی در امور که نقطه مقابل آن جور یا ستم قرار دارد... و عدالت، صفتی است که مراعات کردن آن باعث دوری از کارهایی می شود که به مروت و جوانمردی آسیب می رساند». وی قسط را هم از کلماتی دانسته که هم، به معنای عدالت است و هم، گاهی بر حسب مورد استعمال بر ضد آن دلالت می کند.



یکی از اصول و ارزش های عالی انسانی که همواره در تاریخ پرفراز و نشیب بشری مورد توجه انسان ها مخصوصاً رهبران فکری و مصلحان اجتماعی بوده، بلکه به عنوان آرمان متعالی آنان شناخته شده، اصل عدالت است.

همه انسان ها، چه آنانی که به این آرمان بزرگ پایبند و ملتزم بوده اند و در راه آن تا سر حد جان فداکاری و از

خود گذشتگی کرده اند و چه آنانی که از زمره ستمگران و جانیان تاریخ محسوب می شوند، در عمق فطرت خویش بر ارزش و تعالی آن باور داشته و با همه وجود و دسته دیگر حداقل در گفتار خود بر آن گواهی داده اند:

«وجحدوا بها واستیقنتها انفسهم»^۳

و از آنجا که این اصل ریشه در فطرت بشر دارد، هر انسانی به گونه ای ذاتی و در و نجوش، خواهان رسیدن به آن است. البته به گونه ای که خواهیم دید تفسیر انسان ها از این اصل و در تشخیص مصادیق آن مورد اختلاف فاحش است.

به گواهی قرآن مجید، فلسفه بعثت انبیا، ارسال رسل، انزال کتاب ها و تشریح قوانین مختلف از سوی پروردگار متعال نیز در این راستا قرار داشته و انبیا عظام الهی - که راهبران حقیقی انسان ها به سوی سعادت دنیا و آخرت هستند - ایجاد جامعه عادلانه در سرلوحه اهداف

راغب اصفهانی، با عبارتی روشن تر به تعریف عدالت پرداخته و می‌گوید: «العدالة والمعادلة، لفظ يقتضی معنی المساواة؛ عدالت، کلمه‌ای است که در معنای مساوات به کار رفته است». همو، قسط را به معنای عدالت نیز گرفته و می‌گوید: «القسط هو النصیب بالعدل؛ قسط یعنی بهره عادلانه».

اقسام عدالت

به طور کلی، در فرهنگ اسلامی، واژه و مفهوم عدالت، در سه مورد به کار رفته است:

۱ - عدل الهی یا دادگری پروردگار

عدالت، یکی از صفات ثبوتیه الهی است که مورد اتفاق همه مسلمانان است، ولی متکلمان اسلامی، از فرق گوناگون کلامی، در تفسیر آن اختلاف نظر دارند؛ دسته‌ای از آنان که عمدتاً آشاعره هستند، معیار و ملاکی برای عدالت جز فعل پروردگار قائل نیستند و به اصطلاح می‌گویند: «هرچه آن خسرو کند، شیرین بود». اینان مفهومی مستقل که قابل فهم و درک بشر باشد، برای عدالت نمی‌شناسند.

دسته دیگر - که معتزله و شیعه از این گروه هستند - قائل به حسن و قبح ذاتی افعال هستند و معتقدند: عقل بشر توان درک و فهم آن را دارد. بنابر این آنچه را عقل انسان عدل می‌داند و خوب تشخیص می‌دهد، در حق پروردگار رواست و آنچه را عقل بشر قبیح دانسته و مصداق ظلم بر می‌شمارد، از ساحت مقدس او به دور است. این اختلاف در تفسیر عدل الهی و تشخیص مصداق آن، از جمله مواردی است که معرکه آراء بین دانشمندان مسلمان در طول تاریخ هزار و اندی ساله گذشته است.

۲ - عدالت فردی و اخلاقی

عدالت فردی و اخلاقی، مرحله عالی تقوای یک فرد مسلمان و به اصطلاح، ملکه راسخه در نفس اوست که

سبب التزام به دستورات شرع مقدس اسلام و رعایت حلال و حرام الهی است. چنانکه روایت شده: «سئل الصادق - علیه السلام - عن صفة العدل من الرجل، فقال علیه السلام: اذا غض طرفه عن المحارم ولسانه عن المائم و كفه عن المظالم»؛ یعنی از امام صادق (ع) درباره صفت عدالت در انسان سؤال شد، حضرت فرمودند: عدالت زمانی است که انسان چشمش را از نامحرم بپوشاند، زبانش را به گناه آلوده نکند و دستش را از ستم و تجاوز در حق دیگران نگه دارد.

این معنای عدالت، همان است که در بسیاری از مسئولیت‌ها، مثل رهبری جامعه، مسئولیت‌های کلیدی، قضاوت، شهادت و امامت جمعه و جماعت شرط لازم است.

۳ - عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی، مفهومی گسترده‌تر از عدالت فردی دارد و در یکی دو سده اخیر، معرکه آرا و میدان رقابت بین مکتب‌های مختلف اجتماعی بوده است. عدالت در این معنا، به مفهوم وضع نظامات اجتماعی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی عادلانه برای تأمین بهترین روش زندگی برای بشر است؛ به گونه‌ای که سعادت و خوشبختی، رفاه و آسایش فراگیر، آرامش روحی و روان، توازن اجتماعی، توسعه و پیشرفت و ترقی علمی و فرهنگی را برای جوامع انسانی به ارمغان آورده و آنها را از جهل، عقب ماندگی، فقر، بیماری و رنج‌ها و آلام مختلف نجات بخشیده است.

یک نظام عادلانه اجتماعی، باید توانایی اداره همه عرصه‌های زندگی انسانی را داشته باشد و تعادل و توازن اجتماعی را برای همه افراد به گونه‌ای برابر و بدون تبعیض به ارمغان آورد. اهمیت عدالت در زندگی اجتماعی انسان‌ها، به حدی است که به فرموده پیامبر اکرم (ص)، یک نظام حکومتی، ممکن است با کفر و بی‌خدایی دوام یابد، ولی ستم و تبعیض، سبب فروپاشی حکومت‌ها می‌شود: «الملك یبقی مع الکفر ولا یبقی مع الظلم».

در عصر و زمانه ما به طور عمده، دو مکتب وضعی بشری، یعنی سرمایه‌داری و سوسیالیسم، هر یک داعیه دار تأمین عدالت اجتماعی بوده و با یکدیگر در رقابت و تضاد بوده‌اند؛ به گونه‌ای که در سراسر قرن بیستم میلادی، علاوه بر قدرت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی، که به دو اردوگاه قدرت تقسیم شده بودند، افکار و اندیشه‌های نخبگان و متفکران و نیز مراکز علمی، آکادمیک و احزاب و دستجات فکری و سیاسی هم به گونه‌ای، به یکی از دو بلوک بزرگ قدرت وابسته بودند. امروزه با فروپاشی بلوک شرق و فروریختن دیوارهای مکتب الحادی مارکسیسم، آثار و پیامدهای هفتاد سال سلطه این مکتب را در قسمتی از جهان مشاهده می‌کنیم که چیزی جز فقر، عقب ماندگی و درماندگی انسانی در بر نداشته است.

حاصل حاکمیت سرمایه و سرمایه‌داری را نیز در بخشی دیگر از جهان شاهدیم که به استعمار و استثمار ملل فقیر، اشغال و تجاوز سرزمین‌ها، اختلافات فاحش طبقاتی و تبعیض نژادی، حتی در درون جوامع سرمایه‌داری و بی‌هویتی، سرگردانی و دوری از معنویت منجر شده و باغ سبزی که دورنمایش را کاپیتالیسم در برابر بشریت ترسیم می‌کرد، برای اکثریت جامعه، جز فلاک و نابرابری چیزی بر جای نگذاشته است.

عدالت اجتماعی در اسلام

اسلام تنها مکتب الهی داعیه دار عدالت حقیقی برای بشریت به شمار می‌رود. این مکتب آسمانی، نظاماتی ارائه می‌کند که در فلسفه، اهداف، پایه‌ها و برنامه‌هایش، تفاوت اساسی با مکاتب وضعی بشری دارد. اسلام با جامعیت و جهان‌شمولی خویش در ارائه تصویری صحیح از هستی و انسان و تشریح نظامات مختلف عبادی، تربیتی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی، انسان را موجودی می‌داند که سر منزل مقصودش، رسیدن به مقام قرب الهی و حرکت در مسیر تکامل معنوی است. کلیه نظامات اسلامی نیز جهت تسهیل حرکت در این مسیر تشریح شده‌اند.

عدالت اجتماعی اسلام، پایه و اساس عدل الهی در تشریح و تکوین، عقیده به معاد و قیامت، گسترش مکارم اخلاقی، تکافل و تأمین اجتماعی و حرکت جامعه بر اساس احکام الهی و محوریت نظام امامت و ولایت است. بر این اساس، یک فرد مسلمان تلاش می‌کند با حرکت در مسیری که مورد رضایت حق تعالی است، امکانات مادی و نعمت‌های الهی این جهان را، وسیله‌ای برای تکامل معنوی خویش قرار دهد.

در جهان‌بینی الهی اسلام، کار و تلاش و فعالیت اقتصادی و نیز کسب مقامات سیاسی و دنیایی، نه وسیله‌ای برای سودطلبی، رقابت و کسب قدرت و شهرت، بلکه بستری برای کمال محسوب می‌شود و انسان پیوسته در مسیر تبدیل مادیت به معنویت، در حرکت است.

در جهان‌بینی اسلامی، خدمت به خلق خدا، مهرورزی به انسان‌ها، پرداخت مالیات‌های شرعی و حقوق اقتصادی، نوعی عبادت و وسیله‌ای برای قرب الهی الله است. در فرهنگ اسلامی، انفاق در راه خدا و صدقه و زکات پیوسته همراه با نماز و عبادت ذکر می‌شود؛ قرض به نیازمندان، قرض به خداوند متعال است. صدقه قبل از رسیدن به دست فقیر، به دست خدا می‌رسد. خانه خدا، خانه مردم است.

و بالاخره محبت و مهرورزی به انسان‌ها، تابعی از محبت به خداوند بزرگ است. در جهان‌بینی اسلامی، حرکت در مسیر عدالت اجتماعی تلاشی برای هماهنگ ساختن انسان و جامعه با کل عالم خلقت است: «والسمااء رفעה و وضع المیزان الا تطغوا فی المیزان واقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا المیزان والارض وضعها للانام».

نظام عادلانه اسلامی

نظام عادلانه اسلام، دارای مبانی و معیارهایی است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- ۱ - حاکمیت و مالکیت مطلق از آن خداست.
- ۲ - حاکمیت و مالکیت انسان‌ها، اعتباری و نوعی امامتداری برای پیمودن مسیر رشد و تکامل است.

برنامه کامل تربیتی برای حرکت انسان در مسیر رشد و تعالی معنوی، کنترل غرائز سرکش و تقویت بنیه‌های ایمانی.

پس می‌توان گفت: اسلام از جهان یک بنای متکامل متوازن قائم بر اساس عدل و رحمت و محبت الهی به مخلوقات ترسیم کرده است و در صحنه اجتماعی کوشش می‌کند که جامعه اسلامی مبتنی بر توازن و تعادل بین سطوح زندگی افراد و تکافل اجتماعی متبادل ناشی از محبت و مودت و مهرورزی برپا کند و به تعبیر دیگر: نظام اسلامی جامع، هدایت‌کننده کل روابط انسانی به سوی تعادل و تکافل همه جانبه برپایه‌های: اعتقاد به مکتب توحید و عدل و مفاهیم هدایت‌کننده کل مسیر، نظیر خلافت الهی، تقوای فردی و اجتماعی و اخوت و مهرورزی و عواطف ساخته شده توسط دو اصل قبلی و توجیه‌کننده رفتارهای بشری سازنده «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم» و «ان الله یرحم بالعدل والاحسان و ایتاء ذی القربى و ینهى عن الفحشاء والمنکر والبغی یعظکم لعلکم تذكرون» است.

پی‌نوشت‌ها:

۱- این همایش روز دوشنبه ۲۵ مهرماه سال جاری در سالن اجتماعات سیزدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم برگزار شده‌است.

۲- نمل / ۱۴.

۳- حدید / ۲۵.

۴- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۴۸.

۵- الرحمن / ۷-۱۰.

۶- اسراء / ۷۰.

۷- حجرات / ۱۳.

۸- انفال / ۲۴.

۹- نحل / ۹۰.

۳- همه انسان‌ها صرف نظر از نژاد، زبان، رنگ و قومیت، با هم برابر هستند و کرامت انسانی پایه و اساس همه قانون‌گذاری‌ها است. البته دو نوع کرامت وجود دارد: کرامتی به اعتبار انسان بودن: «ولقد کرما بنی آدم» و کرامتی به اعتبار صفات اکتسابی «ان اکرمکم عندالله اتقاکم».

۴- محبت و مهرورزی به انسان‌ها و خدمت به خلق خدا، نوعی عبادت و در مسیر دوستی پروردگار است.

۵- خداوند متعال در عرصه تشریح و قانون‌گذاری نظامات مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، تربیتی و قضایی متناسب با ساختار وجودی فرد و جامعه انسانی وضع کرده است. این نظامات نسبت به تمامی مردم به گونه‌ای یکسان اجرا می‌شوند و کسی را بر دیگری ترجیح نیست.

۶- در نظام عادلانه اسلامی، قانونگذار - که خداوند متعال است - عادل است، قوانین و نظامات مختلف بر پایه عدالت تشریح شده، مجریان قانون و در راس همه حاکم اسلامی نیز باید در چارچوب عدالت حرکت کنند.

۷- در مکتب اسلامی، همه مواهب طبیعی و ثروت‌های خدایی، برای همه انسان‌ها خلق شده و در اختیار بشر قرار گرفته تا بر اساس نیاز، تلاش و فعالیت و مصالح جامعه در راه رسیدن به رشد و کمال انسانی، تحت نظارت و اشراف ولی امر و امامت امت بین انسان‌ها توزیع شود.

۸- در مکتب سیاسی اسلام تساوی انسان‌ها، شایسته سالاری، نظام امامت و رهبری الهی، نظام بیعت و شورا و به اصطلاح امروز، «مردم سالاری دینی» اساسی اداره جامعه است.

۹- پایه و اساس همه نظامات اسلامی تقوا، پرهیزکاری و عبودیت حضرت حق است که تضمین‌کننده حرکت انسان در مسیر ضوابط و مقررات شرعی است که از جمله مهمترین ابزارهای رسیدن به این حالت، روزه و رمضان و اعمال مختلف این ماه است که هم تمرین تقوا است و هم مهرورزی به انسان‌ها و هم